

به نام خداوند جان و خرد

راه درجهان یکی است و آن راه اشویی است

آموزش دین زرتشتی

برای سال اول راهنمایی



از انتشارات انجمن زرتشتیان تهران

(برابر برنامه‌های آموزش و پرورش)

فهرست

صفحه

- ۱ - پیشگفتار ۳
- ۲ - زندگی بومیان ایران و باورهای آنها ۸
- ۳ - مهاجرت آریاها به سرزمین ایران ۹
- ۴ - زندگی و فرهنگ مردم ایران پیش از اشوزرتشت ۱۴
- ۵ - زندگی اشو زرتشت ۲۰
- ۶ - گزینش اهورائی ۲۷
- ۷ - پیامبری اشو زرتشت ۳۴
- ۸ - نخستین پندهای اشو زرتشت ۴۳

درس ۱پیشگفتار

به یاری اهورامزدا ، خداوند جان و خرد ،
 درس دینی امسال را آغاز می کنیم . درس
 آموزش های دینی به ما می آموزد تا چگونه راه
 بهتر زیستن و رستگار شدن را برگزینیم .
 ما را با سخنان پیامبران اشو زرتشت و با زندگی
 وی آشنا می سازد زندگی پیامبران ، برای پیروان
 آنها درس زندگی است . ما آموزش های دینی
 را برای یادگیری فلسفه و تاریخ آیین خود می
 آموزیم .

در جهان دین های گوناگونی به وجود آمده اند ،
 پیامبران در راه همبستگی مردم کوشش کرده اند .
 آنها به مردم یکتا پرستی ، نیک بودن و عشق
 ورزیدن به هم نوع را آموزش داده اند و همواره آرزو
 داشتند که جنگ ، خونریزی و کژاندیشی

بین انسان ها بوجود نیاید همه ی مردم جهان با برابری و آزادی ، آسایش و آرامش را برای زندگی خود فراهم نمایند و در راه پیشرفت و آبادانی جهان و سازندگی و تازه گردانیدن زندگی بهره مند شوند .

اشو زرتشت که یکی از پیامبران بزرگ جهان می باشد. ۱۷۶۸ سال پیش از میلاد مسیح در سرزمین ایران دیده به جهان گشود و سی سال بعد برای نخستین بار پیام یکتاپرستی و آزادی را به مردم جهان آموزش داد . او با فلسفه و آموزش های خود راه تازه ای را در زندگی مردم به وجود آورد . آفریننده ی جهان را اهورامزدا (خداوند جان و خرد و هستی بخش دانا و توانا) نامید.

(۱) تقریباً برابر ۲۳۹۰ سال پیش از آغاز سال خورشیدی

دیدگاه تازه ای در آیین و باور مردم جهان پدید آورد. باور های کهن در باره ی خدایان پنداری را نادرست و خرافی دانست و انسان های آزاد اندیش ، را به ستایش پروردگار یگانه سفارش کرد .

پیام اشو زرتشت ، آیین راستی نام گرفت و برای شخص ویژه یا سرزمین و قوم خاصی نبود . بلکه راهی بود که همه می توانستند با آزادی آن را برگزینند و برای تازه گردانیدن جهان خویش از آن پیروی کنند . اشو زرتشت در سروده های خود از یک انجمن دوستی جهانی نام برده است . پس از وی شاگردان و پیروانش برای گسترش آیین راستی و نزدیک تر کردن دل ها و اندیشه های مردم جهان به سرزمین های دیگر سفر کردند و پیام دین اشو زرتشت را به دیگران آموختند .

آنها هیچگاه در راه گسترش دین به زور متوسل نشدند.

فلسفه ی دین و پیام اشو زرتشت همچنان پویا و پایدار مانده است و با دانش زمان و ارزش های زندگی انسانی هماهنگی دارد. این آموزش ها امروز نیز مانند فروغی می تواند راه هر انسان آزاد اندیش و خردمندی را به سوی شناخت حقیقت و رسیدن به خوشبختی روشن سازد.

بسیاری از دانشمندان ، فلسفه ی آیین اشو زرتشت را جلوتر از زمان و تازه تر از شیوه های زندگی می شناسند و این افتخار بزرگی است که هر زرتشتی از پیامبر خویش و ازگات ها ، سرودهای او همیشه خواهد داشت.

کتابی که اکنون برای خواندن در اختیار داریم برای آموختن فلسفه و پیام اشو زرتشت ، تاریخ و فرهنگ دین زرتشتی فراهم آمده است باشد

تا هرچه بهتر و بیشتر پیام راستین اشو زرتشت را فرا گیریم .

پرسش درس ۱

- ۱- آموزش های دینی را برای چه می آموزیم ؟
- ۲- پیامبران چه آرزویی داشتند ؟
- ۳- اشو زرتشت در سرودهای خود از چه انجمنی نام برده است ؟
- ۴- چگونه پی می بریم که آیین زرتشت جهانی است ؟
- ۵- اشو زرتشت چند سال پیش ، چشم به جهان گشود ؟
- ۶- برای نخستین بار چه کسی راه یکتاپرستی و آزادی را به مردم آموخت ؟

زندگی بومیان ایران و باورهای آنها

ایران باستان سرزمین پهناوری بوده است که از هزاران سال پیش در آن زندگی شروع شده است. گرچه آگاهی ما از چگونگی زندگی آنها ناچیز است ولی بازمانده های آثار زندگی این مردم که توسط باستان شناسان بدست آمده است تا اندازه ای ما را با شکل زندگی و باورهای آنها آشنا می سازد.

آنها مردگان خود را همراه با بعضی از وسایل زندگی در کف اتاق دفن می کردند. این کار نمایانگر باور این مردم به زندگی مرده ها پس از مرگ می باشد.

آگاهی ما در باره ی دین بومیان ایران بسیار اندک است.

درباور آنان جهان زاینده، و رو به افزایش بود نه زاییده شده.

مهاجرت آریاها به سرزمین ایران

هزاران سال پیش مردمی که خود را "آریا" می خواندند، از سرزمین های شمال به ایران و برخی از سرزمین های دیگر مهاجر کردند. این مهاجرت در حدود ۵۰۰ سال ادامه داشت.

تیره هایی از آریاها به اروپا و تیره هایی به هندوستان رهسپار شدند. از این روی به این نژاد هند و اروپایی و به شاخه ی شرقی آنان هند و ایرانی می گویند.

نظام اجتماعی آریاها را، خانواده، خاندان و تیره تشکیل می داد. زندگی در دامن طبیعت و در نظام اجتماعی ساده و ابتدایی موجب شده بود که باور آنها برپایه ی طبیعت پرستی و احترام بر روابط زندگی اجتماعی قرارگیرد.

آریایی ها برای پدیده هایی چون خورشید ، آسمان ، زمین ، باران ، آتش و همچنین پیمان و همبستگی ، مهر و دوستی باور به ، خدایانی داشتند . این خدایان " دیو " (به معنی درخشان) و " اهورا " (به معنی سرور) خوانده می شدند . از برجسته ترین خدایان آریایی می توان " ورون " (خدا و پدربزرگ) مهر (خدای پیمان و روشنی) " آریامن " (خدای دوستی) " بهرام " (خدای جنگ و پیروزی) و آذر (خدای آتش و روشنی و گرمی) را نام برد . آذر در باورهای آریایی واسطه ی بین مردم و خدایان دیگر بود .

علاوه بر باور به خدایان نگهبان طبیعت ، آریاها به روان درگذشتگان نیز احترام می گذاشتند . در پندار آنها روان درگذشتگان پس از مرگ همچنان وابستگی

خود را با جهان زنده حفظ می کنند . آنها یی که در هنگام زندگی دوستی می ورزیدند اکنون نیز یاری و کمک می رسانند و کسانی که پیش از مرگ در ستیز و دشمنی بودند نیز ، به کینه جویی و آزار خویش ادامه می دهند .

مراسم و آداب مذهبی در آغاز بوسیله ی رئیس خانواده انجام می گردید . اما کم کم در میان مردم ، گروهی پیدا شدند و انجام مراسم مذهبی و جشنود ساختن خدایان پنداری را با قربانی و دعا به عهده گرفتند و پیشوایان مذهبی نام گرفتند .

جمشید یکی از سردارهای تیره ی آریایی است . سرگذشت زندگی و باور آریایی ها را می توان در کتاب وندیداد بررسی نمود .

آریایی ها جسد مردگان خود را یا می سوزاندند یا دفن می کردند و یا دور از محل زندگی خود، در بالای بلندی ها می گذاشتند تا خوراک پرنندگان لاشخور قرار گیرد. باورها، فرهنگ و شکل زندگی آریاها به صورت استوره ها و افسانه های دلکشی چندین نسل سینه به سینه نقل و حفظ گردیده، تا امروز باقی مانده و بخشی از "یشت های کهن" را تشکیل می دهد در کتاب "ریگ وید" نیز که باقی مانده ای از باورها و افسانه های هندوها است شباهت های بسیاری با داستان ها و شخصیت های آریایی مشاهده می گردد.

پرسش درس ۳

- ۱- هند و اروپایی و هندو ایرانی به چه تیره هایی گفته می شود؟
- ۲- مهاجرت آریایی ها چند سال طول کشید. به چند تیره تقسیم شدند؟
- ۳- برجسته ترین خدایان آریایی قبل از اشوزرتشت چه نام داشتند و معنی آنها چه بود؟
- ۴- نظام اجتماعی آریاها از چه تشکیل می شد؟
- ۵- یشت های کهن چیست؟
- ۶- آریایی ها، جسد مردگان را به چه شیوه هایی از خود دور می کردند؟

درس ۴

زندگی و فرهنگ مردم ایران، پیش از اشوزرتشت فرهنگ ایران ترکیبی از دو فرهنگ بومی و آریایی است پیش از این دانستیم که بومیان ایران مردمی با فرهنگ و هنرمند بودند. با کشاورزی و شهرنشینی آشنا بودند و در باورها و اعتقادهای ساده خود زندگی می کردند و هزاران سال پیش حکومت های قدرتمندی را در سر زمین ایران تشکیل دادند. بسیاری از باورها و روش های زندگی بومیان نیز در فرهنگ آریایی راه یافت. در حدود ۴ هزار سال پیش سرزمین ما، شاهد بهم آمیختگی دو فرهنگ بومی و آریایی بود که با گذشت زمان هماهنگ گردید. و ترکیب دو فرهنگ موجب شکوفایی فرهنگ نوینی شد

که آنرا "فرهنگ ایرانی" می نامیم.

در فرهنگ ایران شاهد مذهبی هستیم که در اثر پذیرفته شدن باورهای بومی و آریایی در میان مردم رواج داشته است. در این باورها گونه ای مذهب ابتدایی را می توان یافت که بعدها موجب پیدایش دین های بزرگی چون "مهرپرستی و زروان پرستی" شده است. اعتقاد به زندگی پس از مرگ و ارواح خیر و شر، زاینده گی جهان، نگرهبانی از آتش به عنوان پرتوی از خدا و باور به فرشته ی زمین و آسمان و پرستش پدیده های طبیعی از آیین های مذهبی بوده است.

پیشوایان مذهبی برای بازار گرمی ، باورها و پندارهای ابتدایی مردم را تغییر دادند و آنها را تبدیل به اعتقاداتی پیچیده و مرموز کردند که همراه با مراسمی رنگین ، خونین و مست کننده انجام می گرفت . در آن زمان پیشوایان و برگزار کنندگان مراسم مذهبی را "کَرپ" می نامیدند . کَرپ ها با پنداربافی باعث گمراهی مردم می شدند . مردمی که علت بیماری ها و آسیب های طبیعی ، از جمله سیل و زلزله و مرگ را نمی دانستند در اثر پندار بافی یوچ کرپ ها همیشه در فکر خشنود ساختن خدایان بودند . در نظر آنها خدایان موجوداتی خشمگین بودند که در اثر اندک کوتاهی پیروان خود به کینه جویی و انتقام می پرداختند .

به پیشنهاد کرپ ها ، در مراسم مذهبی آتش بزرگی فراهم می گردید مقداری از شراب مستی آور که از گیاه هوم تهیه شده بود . برای خشنودی خدایان در آتش ریخته می شد سپس بقیه شراب هوم را می نوشیدند و مست می شدند و به رقص و پایکوبی می پرداختند و در اوج مراسم جانوری مانند گاو ، شتر یا اسب را قربانی می کردند و کمی از گوشت و چربی آن را برای دیوها (خدایان درخشان) می چیدند و کمی را در آتش می ریختند تا آتش از راه دود خود ، آنها را به خدایان آسمان برساند .

اوستایی زبانها بیشتر در خراسان بزرگ ، که از شمال شرقی ایران کنونی تا نیمه ی غربی

افغانستان و نیمه ی جنوبی آسیای مرکزی در کشور شوروی تشکیل می گردد زندگی می کردند. پادشاه یا رهبرهای اجتماعی آنها گوی نام داشتند.

واژه ی گوی بعدها در زبان فارسی به "کی" تبدیل شده است و یکی از تیره های معروف کیانیان بوده اند.

کرپ ها نیز برای برگزاری مراسم و جشنود ساختن خدایان و بازداشتن آنها از خشم خدایان پنداری از مردم فدیه و هدایای فراوان می خواستند.

کوی ها و کرپ ها به هم وابسته بودند و از این راه ثروت بسیاری بدست آوردند.

در حقیقت زندگی مردم براساس باورها و مراسمی که کرپ ها و کوی ها گسترش می دادند به سختی می گذشت.

۱- اوستایی زبانها بیشتر در کجا زندگی می کردند؟

۲- تیره های گوناگون پیش از اشوزرتشت چند دسته بودند و شاهان را چه می نامیدند؟

۳- کرپ ها چه کسانی بودند و برای جشنودی خدایان چه می کردند؟

درس ۵

زندگی اشو زرتشت

در غرب ایران، در کنار رودی به نام "درجی" که برابر نوشته های کهن به دریاچه "چیچست" می ریخت. خاندان بزرگی به نام اسپنتمان زندگی می کردند. در شاخه ای از این خاندان دو برادر به نام های "پوروشسب و آراستی" زندگی می کردند همسر پوروشسب "دغدو" نام داشت. پوروشسب و آراستی هر دو کشاورز بودند.

در روز ششم فروردین، روز خورداد از ماه فروردین سال ۱۷۶۸ پیش از میلاد مسیح خداوند به دغدو فرزندی عطا فرمود که نام او را "زرتشت" نهادند. آراستی نیز دارای فرزندی به نام میدیوماه شد.

دغدو مادر اشو زرتشت در دوران نوجوانی با برگزاری مراسم مذهبی توسط کرب ها

بخالفت می ورزید و آنها نسبت به او سخت خشمگین و کینه جو گردیده بودند. فرزند دغدو پس از سی سال، پیامبر و رهبر مرد می گردید که تمامی دسترنج و دارایی شان را به کرب ها می دادند و یاب به کاوی های ستمگر، باج می دادند. اشو زرتشت کودکی باهوش بود. تاهفت سالگی زندگی آرام خود را در دامن مادر و در کنار پدر گذرانید. از آنها پرسید و پاسخ شنید. هم بازی و دوست کودکیش میدیوماه همواره با او بود. از هفت سالگی اندیشه های اشو زرتشت وارد مسیر تازه ای از کنجکاوی ها شد. این کنجکاوی در باره ی باورهای طبیعت پرستی بود.

باورهای آن زمان، را شنید. مراسم مذهبی و آیین های کرب ها را مشاهده کرد و کم کم

برایش شگفتی به وجود آمد .
 پرسش های اشو زرتشت زیاد بود و هوش
 سرشار او باعث شد که پس از شنیدن پاسخ و
 به ویژه پس از گفتگو با مادر خود دغدو ، در
 اندیشه فرو رود و شنیده ها و دیده ها را در
 ذهن خویش تجزیه و تحلیل نماید .

پس از چندی پرسش های اشو زرتشت
 چنان بسیار و ژرف گردید که پدرش ناچار
 گردید دو تن از کرب های برجسته را به خانه
 دعوت کند تا آنها پس از گفتگو با اشو زرتشت
 او را قانع سازند. در این گفتگو اشو زرتشت
 در باره ی باورها، خدایان پنداری و مراسم
 مذهبی سخنانی رامطرح کرد که کرب ها
 خشمگین شدند و ناسزاگویان خانه را ترک
 کردند .

پرسش ها و کنجکاوی های اشو زرتشت
 ادامه داشت .

وی از پاسخ های بی ربط و بی منطق دیگران
 دلسرد گردید و با خود تنها ماند . بیشتر به
 طبیعت روی نمود و گاه با میدیوماه که یار و
 یاور او بود ، به زندگی جانوران خانگی و اسبها
 و گاوها نگاه می کرد ، نوازششان می کرد و با
 بچه هایشان بازی می کرد و گاه در دامن
 تپه های اطراف به همراه پیرمردها در
 کوهها گیاهان گوناگون دارویی را جمع
 آوری می کرد .

گاهی نیز پای صحبت آنها می نشست و از این
 راه کم کم با خاصیت عصاره ی گیاهان
 شفابخش آشنا گردید .

مادرش وی را با نام بعضی از ستارگان آشنا

ساخت . پدر کشاورزی و دامداری را به او یاد داد و ستاره شناسی و گاه شماری را به او آموزش داد .

در پانزده سالگی اشوزرتشت جوانی برومند و کاردان بود مانند همه ی جوانها می بایست در این سن آزاد ، مستقل و توانمند باشد . او بیشتر شیوه های لازم برای زندگی مستقل را آموخته بود و هنوز پدر به او کمکهای مادی و معنوی می کرد .

اشوزرتشت هرگز از آموختن و پرسیدن باز نایستاد . در هر فرصت دانش خود را در باره ی پزشکی، دامپزشکی و دانش های دیگر افزایش می داد.

اشوزرتشت نزد دانایان به آموختن تاریخ ، ریاضی و ستاره شناسی پرداخت . در این میان

توانست با ریشه ی باورهای کرب ها آشنا شود اشوزرتشت به دنبال گشودن راز آفرینش و نیکی و بدی بود

اشوزرتشت مدت ها به خاموشی فرو رفت ، سربه دامن طبیعت نهاد ، آنجا که دیگر در آن کرب ها و گاوی ها وجود نداشتند . در این تنهایی پرسش ها از نو آغاز گردیدند . اشوزرتشت در یکی از سرودهایش این پرسش ها را با زبانی شاعرانه بیان داشته است . این درون نگری که سرانجام به دل آگاهی انجامید ۱۰ سال طول کشید.

- ۱- در شمال خراسان بزرگ چه کسانی زندگی می کردند؟
- ۲- همزمان با اشو زرتشت چه کسی از مادر متولد شد و نام پدرش چه بود؟
- ۳- زندگی کودکی اشو زرتشت چگونه گذشت و همبازی او که بود؟
- ۴- پدر و مادر اشو زرتشت هر یک به او چه آموختند؟
- ۵- درون نگری اشو زرتشت چند سال طول کشید و به چه انجامید؟
- ۶- اشو زرتشت پیش از پیامبری چه دانش هایی را آموخته بود؟

پیش از این آموختیم که زورمندی، متمگری و چپاول در زندگی مردم ایران پیش از اشو زرتشت مردم را به ستوه آورده بود و کم کم کسانی که کنجکاو بودند آگاهی می یافتند و با نظام حاکم بر باورها و زندگی مردم مخالفت می کردند نجات دهنده ای لازم بود تا سنگ زیر بنای باور راستین را پی ریزی نماید.

این درس از دومین سرود گات ها برگرفته شده و چگونگی برگزیده شدن اشو زرتشت به پیامبری را بیان نموده است. در این سرود خواست درونی جامعه و جهان هستی سبب شده است تا اشو زرتشت از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شود.

سرود دوم گات ها به صورت یک نمایشنامه ی الهی است. این نمایشنامه، کهن ترین نمایشنامه ی الهی جهان به حساب می آید. و نشان می دهد که بی قانونی چنان جهان را فرا گرفته که قانون جهان راهی برای نجات جهان نمی شناسد. در این حالت "قانون جهان" به همراه "روان جهان زنده" دستها را به سوی خداوند بلند می کنند و به نیایش می پردازند. در این نیایش می خواهند که بر راستکاران و آباد کنندگان جهان آسیب نرسد. در ادامه ی این نمایشنامه، خداوند جان و خرد درخواست قانون جهان و روان زنده را می پذیرد.

خداوند جان و خرد که با آیین راستی هماهنگ است در برابر نیایش روان جهان و

راستی پیام خود را آماده می سازد تا برای جهان راهنمای آبادانی گردد.

او کسانی را که می خواهند خدمت کنند با آموزشهای خود به پیش می برد. خداوند دانا پرسید: ای "منش نیک" کسی را می شناسی که مردم را یاری کند؟

گات ها

"منش نیک" چنین پاسخ می دهد:
 آری من تنها یک کس را می شناسم
 که به آموزش های ما گوش داده
 ایشان زرتشت اسپنتمان است.
 ای مزدا ایشان آماده اند.
 تا این پیام را برای راستی
 از راه سرودهایش به مردم برساند

پس چه بهتر که به ایشان شیوایی سخن داده شود.

گات ها

می بینیم که نیروی اندیشه می تواند جهان را از تباهی و ستمگری رهایی بخشد و زندگی را به سامان آورد .
نیرویی که در اشو زرتشت وجود دارد انگیزه ای است تا خداوند جان و خرد او را به پیامبری برگزینند .

نیروی نیک اندیشی است .

من فرمانروای توانایی را می خواهم :

کی آن روز خواهد رسید

که او با بازوهای توانای خود مرا کمک کند ؟

گات ها

ای خدا ، شما به وی
از راه راستی و منش نیک
نیرو و شهریاری ارزانی دار
تا او آبادی و آرامش پدید آورد
من هم ایشان را ای مزدا
بهترین برگزیده ی تو می دانم

گات ها

در پایان این نمایشنامه روان جهان زنده به همراه اشو زرتشت دست به نیایش برمی دارند .

کی راستی ، آن آیین آفرینش

منش نیک ، آن راهنمای خرد

و شهریاری ، آن بخشنده ی نیرو و توانایی

به سوی من خواهند شتافت ؟

ای خدای دانا، این آیین و دین نو را
 که به نام انجمن مغان و همبستگی جهانی
 بنیاد یافته، بپذیر
 خدایا، به ما کمک کن
 ما چشم به راه لطف تو می باشیم.

گات ها

این نمایشنامه به ما نشان می دهد که
 نیروهای گوناگون آفریده شده به وسیله ی
 اهورامزدا، یاری می کنند تا جهان زنده که
 شامل مردمان، جانوران و گیاهان هستند.
 به سوی تکامل پیش روند و سرانجام آیین
 راستی بر سرکار آید و باورهای نادرست را
 دگرگون سازد.

از این سرود دلکش می توان دریافت که
 بهترین رهبران جهان زورمندترین آنها

نیستند و نیروی اندیشه، ایمان پاک به
 حقیقت جهان و شیوایی در گفتار، بزرگترین
 نیروهای درونی انسان می باشد.
 همچنین در این سرود اشو زرتشت به ما
 می آموزد که با تمام نیرو در مقابل ستم و
 بیداد بایستیم و همواره خواهان آزادی،
 برابری، پیشرفت، آبادی و داد باشیم.

(۱) داد هم به معنی عدالت و هم به معنی قانون است.

۱- از دومین سرود گات ها چه می آموزیم؟

۲- لغات زیر را معنی کنید

گئوش اوروان ، گئوش - تشنه - اشا - و هومنه

۳- منش نیک چه کسی را معرفی می کند و برای او چه آرزویی دارد؟

۴- چرا روان جهان در آغاز ، اشوزرتشت را به رهبری نمی پذیرد؟

۵- بزرگترین نیروهای درونی انسان چیست؟

۶- در سرود گزینش اهورایی گات ها ،

اشوزرتشت به ما چه می آموزد؟

پیامبری اشوزرتشت

اشوزرتشت به پیشنهاد پدر برای خود همسر برگزید . او با هووی پیوند زناشویی بست . هووی گرایشی ژرف به زرتشت داشت و در دوران سخت سرنوشت ساز زرتشت با وی گفت و شنود ها داشت و هر دو از این کار خشنود و آرام می شدند.

اشوزرتشت ۱۷۳۸ سال پیش از میلاد مسیح در سن سی سالگی ، در روز خورداد از ماه فروردین (ششم فروردین) با اندیشه ی روشن از سوی خداوند به پیامبری برگزیده شد . او نخستین کسی است که در جهان ، یکتا پرستی را به مردم آموزش داد .

روز پیامبر شدن اشو زرتشت، آغاز تاریخی است که آن را تاریخ دین بهی می خوانند و این تاریخ آغاز یکتا پرستی ایرانیان است.

از همان روز نخستین آموزش های خویش را از خویشاوندانش آغاز کرد. از میان همه تنها میدیوماه سخن او را پذیرفت. سپس همسرش هووی، که از گذشته با اندیشه های اشو زرتشت آشنا بود و گرایش ویژه داشت. این سه تن آغازگر آموزش آیین راستی بودند.

پس از آن هر روز اشو زرتشت مردم را گرد خود می خواند و از آیین راستی و دین یکتایی سخن می گفت. پس از چندی ۱۲ تن به وی پیوستند. اشو زرتشت از آزادی و برابری و دادگری سخن می گفت.

این سخن ها و اندرزها برای کرپ ها و کاوی ها گران و ناخوشایند بود.

زیرا گسترش آموزش های اشو زرتشت، به طور بنیادی به منافع و شهرت آنها لطمه وارد می کرد. شغل، پیشه و قدرت آنها را از دستشان می گرفت. به همین علت در دو گروه به دشمنی با وی پرداختند "گرهما و بندو" دو تن از کرپ های بد خواه اشو زرتشت بودند که در سرودهای اشو زرتشت نامشان آورده شده است.

کریان ها توانستند گروهی از نادان ها را در برابر اشو زرتشت بشورانند. آنها به آزار اشو زرتشت و یارانش پرداختند. اشو زرتشت در یکی از سرودهایش این روزهای رنج آور را نشان داده است "نمی دانم به کجا روم و به چه کسی روی کنم" سرانجام اشو زرتشت با درخواست یاری از خداوند با پیروان خود رخت

سفر بر بست و از دیار خویش کوچ کرد. کیانیان خاندان بزرگی در آبادترین سرزمین ایرانی، در جلگه هلمند (زابل) بودند. در این زمان کی گشتاسب رییس انجمن کشورها و سخنور و فرزانه، در این سرزمین زندگی می کرد. در آنجا بسیاری از دانشمندان و دانایان با یکدیگر همکاری داشتند.

اشوزرتشت بهترین کار را در روبرو شدن با کی گشتاسب دید زیرا دریافته بود که کژ اندیش و نادان او را نمی پذیرند و کوشش در هم سخن شدن با نادان، خود نادانی است.

بنابراین با یاران خود به سوی سرزمین کی گشتاسب حرکت کرد. خاندانی از تورانیان به نام "فریان" در این راه به اشوزرتشت و یارانش یاری و پناه رسانیدند.

گفتگوی اشوزرتشت در نزد کی گشتاسب و دانشمندان آن سامان دو سال ادامه داشت. کرب ها و سردارهای اجتماعی برای به زانو در آوردن اشوزرتشت کارشکنی ها کردند ولی شکیبایی و دانش اشوزرتشت و نیروی اهورایی وی همه را بی نتیجه ساخت.

سرانجام کی گشتاسب و پس از او داناهاى پیشماری آیین اشوزرتشت را پذیرفتند. کی گشتاسب از آن پس شخصیت دینی یافت و در راه دادگری و برابری کوشید. فرشوشتتر و جاماسب از دانایان دیگری بودند که آیین یکتا پرستی را قبول نمودند.

اشوزرتشت در شهر نیمروز رصد خانه ای بنا نهاد که در آن خود و دیگر دانشمندان به

ستاره شناسی و پژوهش می پرداختند.
(رصدخانه نیمروز در زابل)

اشوزرتشت از یاران خود انجمنی بنیاد نهاد تا دین بهی را گسترش دهند. این انجمن را "مزمگ" نامیدند. اشوزرتشت، کی گشتاسب، فرشوستر، جاماسب، میدیوماه، هووی، هوتس و تنی چند از دانشوران این انجمن را اداره می کردند. انجمن مغان انجمنی بود ساده که در آن همبستگی و برادری را آموزش می دادند.

نخستین آموزشگاه دینی بوسیله یاران انجمن مغان گشایش یافت و پس از اشوزرتشت پسرش ایسدواستر سرپرستی آن را بعهدده داشت.

اشوزرتشت از خود سرودهایی به یادگار نهاد که در آن فلسفه ی یکتاشناسی و روش زندگی درست به گونه ای شاعرانه بیان شده است. این سرودها که ۱۷ سرود هستند گات ها یا گاهان نامیده می شوند.

گات ها به زبان اوستایی و لهجه ی خراسانی سروده شده است. هفده سرود گات ها را از روی وزن و آهنگ برینج بخش کرده اند که هر کدام نام ویژه ای دارد.

اهنود گات، اشتودگات، سپنتمد گات، وهوخشترگات و وهیششتواش گات.
گات ها دست نخورده و بی کم و کاست برجا مانده و به ما رسیده است. و این دو انگیزه داشته است. یکی به نظم بودن آن است.

زیرا شعر را به آسانی می توان از بر نمود و دوم آنکه هر خواننده و نویسنده ایمان و باور بزرگ و اهورایی به این سخنان داشته است و به خود اجازه ی تحریف و دستبرد نداده است .
زندگی پرآوازه ی اشو زرتشت پیامبر بزرگ ایرانی که سراسر پژوهش ، آموزش و مردم داری بود در سن ۷۷ سالگی پایان پذیرفت .

- ۱- همسر اشو زرتشت که بود و چه گرایشی داشت .
- ۲- اشو زرتشت در چه روز و ماهی پیام یکتا پرستی را بیان نمود؟
- ۳- چه روزی را آغاز تاریخ دین بهی می خوانند؟
- ۴- انجمن مغان چه بود و نخستین افراد این انجمن چه کسانی بودند ؟
- ۵- گات هاچند سرود است و به چه زبانی است؟
- ۶- سرودهای گات ها چگونه و به چند بخش تبدیل شده است ؟
- ۷- هریک از بخش های گاتاها را بیان کنید ؟
- ۸- چرا سروهای گات ها دست نخورده است ؟

دانستیم که پیش از اشو زرتشت ، مردم در جهل و نادانی به سر می بردند و خدایان پنداری را پرستش می کردند . کرب ها و کاوی ها برای حفظ مال و ثروت و مقام خود حاضر نبودند دین اشو زرتشت را بپذیرند .

اشو زرتشت برای اینکه مردم را به راه راست راهنمایی کند . هیچگاه از زور و جنگ و خونریزی استفاده نکرد ، برای شروع آموزش راستی در گرد هم آیی مردم شرکت می کرد و از آنها می خواست که دوستدار خرد و اشویی باشند .

اهنود گات می فرماید :

اینک از برای کسانی که خواستار

شنیدن حقیقت هستند

سخن می گویم

این گفتار از سوی

اهورامزدا سرچشمه ی

راستی و نیک اندیشی است

و هر کس که دانا و هوا خواه راستی باشد

باید به آن گوش دهد .

زیرا تنها با پیروی از آن

می توان به سرای درخشان خرسندی رسید .

اشو زرتشت بزرگترین وظیفه ی هر انسان

نیک اندیش را گسترش راستی و راهنمایی افراد

گمراه و کژ اندیش به راه راست می دانست .

در بسیاری از بندهای گات ها لزوم آموزش دانا به نادان سفارش شده است. به همین خاطر است که می بینیم در تاریخ گذشته این سرزمین، مردم ایران به پرهیزگاری، ادب، راستی و پاکی مشهور گشته اند. چون همواره به دنبال یادگیری و بکارگیری اشویی و رسیدن به آرامش بوده اند که در سایه ی راستی به دست می آید.

در این بند گات ها نیز اشاره ی پیامبر ایرانی به سفارش و راهنمایی دیگران است. کسی که با اندیشه، گفتار و کردار خود

دروغ کار را در کارهایش ناکام می سازد

و یا به او نیکی می آموزد

و راه می نماید.

وظیفه ی خود را
 از روی باور و ایمان
 و برای عشق به خدای دانا
 انجام می دهد

اهنودگات

آزادی اختیار

یکی دیگر از ویژگی های پیام اشو زرتشت که همه ی پژوهشگران آن را ارزشمند می دانند وجود آزادی و اختیار انسان در گزینش راه خویش است.

درگات ها انسان آزاد آفریده شده و اوست که به اختیار، سرنوشت خود را در دست می گیرد و زندگی خود را هوده یا بیهوده می سازد.

اشو زرتشت با یاد آوری پیام آزادی و راستی، انسان را از خواب غفلتی که بشر را به کام نابودی فرو خواهد برد نجات می دهد. پس از آن انسانهایی سرافراز و بیدار، آزاد و آگاه سرنوشت خویش را می سازند.

ای مردم

بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید
و با اندیشه روشن و ژرف بینی آنها را بررسی
کنید.

هر مرد و زن راه نیک و بد را خود برگزینید.

پیش از فرا رسیدن روز واپسین

همه به پا خیزید

و در گسترش آیین راستی بکوشید

اهنودگات

این برای نخستین بار بود که مردم در یافتند دارای خرد و اندیشه و اراده هستند زیرا پیش از آن خود را بی اراده می پنداشتند که از خود اندیشه و اختیاری ندارند و حق آنها ندارند که به آزادی راهی برای خود برگزینند و سرنوشت خویش را بسازند.

پرسش درس ۸

۱- چرا کاوی ها و کرب ها پیام اشو زرتشت را نپذیرفتند؟

۲- اشو زرتشت برای گسترش آیین راستی از چه شیوه ای استفاده نمود؟

۳- اشو زرتشت بزرگترین وظیفه ای انسان نیک اندیش را چه می داند؟

۴- درگات ها چگونه اشو زرتشت، انسان را به راهنمایی دیگران سفارش می کند؟

۵- با کدام پیام اشو زرتشت، مردم دریافتند که دارای اراده و اختیار هستند؟